

## جهانی شدن

دریچه های نو، مفاهیم متنوع، ایده ها و مسائل جدید ذهن های جستجوگر افراد را به خود مشغول می سازد و در نتیجه هر کس از منظر خود به موضوعات پیرامونش نظر می اندازد و تلاش می کند تا با بیشترین امتیاز از دوره جدید زندگی خود عبور کند همانگونه که کرونین می گوید: «زندگی یک راهروی ساده و مستقیم نیست که ما در آن آزاد و بی دردسر گام برداریم و پیش برویم، زندگی مسیری تو در تو و پرپیچ و خم از گذرگاههاست که ما باید راه خود را جستجو کنیم».

هر روز در رسانه ها و کتب منتشره واژه های جدید از جمله اینترنت، بانک مجازی، تجارت الکترونیک و یا تقسیم بندیهای جدید مانند تقسیم دوره های زندگی به بشر به موج های اول و دوم و سوم و ... منتشر می شود و هر کس به فراخور حال خود، نظر و دیدگاه اختصاصی خود را سامان می دهد یکی از این واقعیت ها ، واژه جهانی شدن است .

در این خصوص بحث های زیادی صورت گرفته شده است و همانند سایر موارد، انسانها و در پی آن لزوما دولتها نیز از بین چند گزینه یکی از آنها را انتخاب نموده اند از جمله :

1- این واژه یک حرف جدید و نوعی مد محسوب می شود لذا گذرا است .

2- صبرمی کنیم تا چند سالی بگذرد و واکنش افراد یا کشورهای دیگر را بررسی می کنیم .

3- نه خیلی عمیق و نه خیلی گذرا و صرفا در حد تبلیغات و حرفی برای گفتن به بررسی موضوع می پردازیم .

با اختصاص زمان مناسب، ضمن ریشه یابی به علل و عوامل نضج موضوع پرداخته و ضمن تحلیل فرصتها و تهدیدات ، به افزایش نقاط قوت و کاهش نقاط ضعف می پردازیم .

5- در یک اصلاح تند رویانه، کلیه ساختارها قبلی را به تفکر، ساختار و فناوری جدیدی تبدیل می نماییم اما تصمیم گیری در هر یک از موارد فوق بسته به پیشینه ، شرایط فعلی، ارزشها، اهداف آتی و برنامه ها و روشهایی که برای کنترل دستیابی به اهداف مد نظر قرار داده ایم تفاوت می کند . تاریخچه جهانی شدن :

از نهاد بشر اینگونه بر می آید که اگر در جزیره ایی زندگی کند و بداند که در آن حوالی جزیره ایی دیگر وجود دارد ، اول به قصد شناسایی ، تعیین ابعاد و سپس در جهت تعیین نقاط قوت و ضعف خود جزیره جدید قدم برمی دارد و اگر شرایط اجازه داد نسبت به ضمیمه نمودن آن به جزیره قبلی اقدام می کند به همین خاطر است که اگر کالاهایی در کارخانه ای تولید شود، تواناییهای آن درسایر قاره ها نیز تاثیر گذار خواهد بود یعنی اگر جهان را یک سطح در هم تنیده و گسترده قلمداد کنیم آنگاه هر نقطه ای از عالم می تواند سایر بخشها را تحت تاثیر خود قرار دهد . نکته ای که مسلم است آنکه جهانی شدن واقعه ای مقطعی نبوده بلکه بیشتر یک روند محسوب می شود که به همان نهاد بشر بر می گردد. برخی از صاحب نظران این روند را در پنج بخش تقسیم بندی نموده اند

\*روند اول:

از دهه 1990 تاکنون اهمیت شرکتها در نظام جهانی بیش از اهمیت دولتها شده است و کشورها برحسب شرکتهای خود شناخته می شوند مثلا فروش شرکت جنرال موتورز 178 (میلیارد دلار در سال) تقریبا معادل تولید ناخالص ملی 40 کشور در حال توسعه می باشد.

\*روند دوم:

گسترده گی و به هم پیوستگی بازارهای پولی، مالی و بورس جهانی است.

\*روند سوم:

گسترش ارتباطات ماهواره ای و شبکه های کامپیوتری و در نتیجه گسترش داد و ستدهای فرهنگی و اطلاعاتی در سطح جهان است. بطوریکه در فنلاند یک چهارم و در آمریکا یک دوم مردم کاربر اینترنت می باشند.

گسترش شبکه حمل و نقل بین المللی و کاهش شدید هزینه های آن می باشد بطوریکه شاخص هزینه ها از سال 1920 تا سال 1990 از 100 به 18 تقلیل یافته است . هزینه مسافرت هوایی بر مبنای نفر/ مایل از 68/0 در سال 1930 به 0/11 در سال 1990 کاهش یافته و قیمت رایانه نیز طی سی سال گذشته جدای از تحولات کیفی در قابلیت های آن تقریبا 125 برابر تقلیل یافته است .

\*روند پنجم:

تقسیم کار گسترده در همه شاخه ها بویژه در سطح جهان می باشد این امر به افزایش کیفیت محصول و کاهش شدید هزینه ها منجر شده است. اما اینکه جهانی شدن از چه زمانی آغاز شده باید به همان نهاد بشر مراجعه کرد و اینکه چه زمانی، شاید مرکانتیلیست ها و استعمار بهترین علامت برای قرن 16 باشند. اما در واقع تئوری ها و ابزارهای جدید امکان فراگیر شدن این مفهوم را در سالهای اخیر عملی ساخته است.

\*تعریف جهانی شدن:

هر چند تعریف دقیق و موجزی از جهانی شدن در دست نیست اما اندیشمندان هر یک بر حسب نظر خود، تعریفی را ارائه داده اند. مک لوهان، که تقریباً سرشناس تر می باشد، تمدن را بر سه تمدن: « شفاهی، چاپی و الکترونیکی» تقسیم کرده و اعتقاد دارد چون جامعه کنونی با بهره گیری از پیشرفتهای الکترونیکی در حال حرکت بسوی مبادله اطلاعات بصورت چهره به چهره پیش می رود پس جهان امروز مانند دهکده قدیم در پی اشاعه فرهنگ شفاهی می باشد.

مانوئل کاستل، جهانی شدن را ظهور نوعی جامعه شبکه ای می داند که در ادامه حرکت سرمایه داری، بهینه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را در بر می گیرد.

با جمع بندی نظرات پنج مفهوم ذیل استنباط می شود:

- 1- جهانی شدن به عنوان بین المللی شدن است.
  - 2- جهانی شدن به عنوان باز شدن مرزها یا حذف مرزها می باشد.
  - 3- جهانی شدن به عنوان یک فرآیند انتقال سرمایه به سوی قدرتمندان و یا حداقل بهترین بازیگران خواهد بود.
  - 4- جهانی شدن به عنوان ایدئولوژی جهانی و همسان سازی تفکر است.
  - 5- جهانی شدن به عنوان یک پدیده علت و معلولی در یکسان سازی همه آحاد مردم قدم برمی دارد.
- \*شرایط کلان اجتماعی:

اگر کمی به ابتدای بحث نظر کنیم آنگاه در می یابیم که تغییرات بسیار سریع در حوزه های متفاوت زندگی هر چند رفاه جسمانی بسیاری را برای ما فراهم ساخته اند ولی در عین حال فشار زیادی ناشی از انطباق پذیری و انعطاف پذیری را نیز بر ما وارد ساخته اند. شما مجبورید پس از خرید هر نوع جدیدی از گوشی موبایل، تلویزیون، خودرو، چندساعت دفترچه کار با آن را بخوانید و این تازه اول راه است. شکل های متنوعی از شغل، فرآیندهای تولید، صنایع، عملکردها، سازمانها، رفتار با منابع انسانی، استراتژیها و هزاران موضوع دیگر نیز احتیاج به آموزش اولیه دارند، یعنی تغییر در رفتار یعنی آدمها باید بگیرند مرتباً ساختارهای ذهنی خود را تغییر دهند و فرآیند جدیدی را مبتنی بر شرایط روز جایگزین آن نمایند، عبارت دیگر هر روز جسم راحت تر شده ولی روح بیشتر درگیر انواع مسائل متنوع و گوناگون می شود کمی به اخبار روزانه توجه کنید مرتباً قیمت ارز، بورس، شیوع برخی بیماریها (مانند سارس، جنون گاوی، هپاتیت ب)، رفتارها تروریستی زلزله و غیره پخش می شود تا اگر کسی در حوزه ای سرمایه ای دارد زودتر گلیم خود را از آب بکشد.

یکدستگاه خودرو، هواپیما، رایانه و بسیاری از اقلام دیگر هم اکنون فاقد تولید کننده مشخصی هستند رقم قابل ملاحظه ای قطعه تولید شده توسط کشورهای متنوع با یکدیگر مونتاژ شده و تبدیل به یک کالا می شوند در حالیکه شرکتی عملیاتی خدمات پس از فروش را بعهده می گیرد که سهام آن متعلق به شرکتهای تولید کننده آن کالا نمی باشد.

سازمانها، شرکتهای و حتی دولتها درک می کنند که تعامل آنها با محیط های بیرونی در حال افزایش است لذا بخشهای کوچکتر بتدریج خود اتکاتر و غیر قابل کنترل تر می شوند؛ در بسیاری از مواقع دیگر حتی کارمند بعد از خود را نخواهیم دید او در آینده اطلاعات را از یک کد ( که نمی داند کجاست) دریافت می کند، تغییرات لازم را مطابق استانداردها انجام می دهد و مطابق فرامین، محصول جدید را به نفر بالاتر که دارای یک کد است (ولی نمی داند کجاست) ارسال میکند. اینکه او اینکار را چه ساعتی در چه حالتی و در کجا انجام می دهد مهم نیست بلکه اثر بخشی و صحت اقدامات انجام شده اهمیت دارد.

مدیران باید یا بگیرند که ساختن سوله ها، بایگانیهای قطور، انواع و اقسام پوشه ها و آدمهای بی حوصله و یخ بدرد همان بایگانیها می خورند. امروز اگر تحولات اساسی در نگهداری اطلاعات را بپذیریم آنگاه درک می کنیم که فرآیند تبدیل داده خام به اطلاعات تنها راز موفقیت افراد، مدیران، سازمانها و حتی دولتها هست، زیرا همه چیز بسوی مجازی شدن پیش می رود دیگر مهم نیست که یک سازمان چند نفر کارمند دارد مهم آن است که چند نفر کارمند آگاه به علم تبدیل داده به اطلاعات را دارد.

اخیراً دسته ها و گروههای مختلف از نوجوانان تا وبلاگ نویسها و طرفداران اندیشه های خاص سیاسی و اجتماعی و فرهنگی دیگر در پی تماس تلفنی

یا توزیع خبر نامه و اعلامیه ها نبوده بلکه با تهیه یک نامه الکترونیک یا یک پیغام در صفحه وبلاگ خود و کپی آن برای هرکس (به هر تعداد) و فشار دادن یک دکمه قرارهای بعدی را قطعی می کنند. آیا ابزارهای سابق کنترل مانند داشتن کمان در جنگ الکترونیک نمی باشد؟ در این راستا لزوم افزایش مهارتها و بهره گیری از تجهیزات نوین که به استحکام حاکمیت کمک می کند ضروری به نظر می رسد لذا نهادهای دولتی لازم است سرمایه گذاریهای مطالعاتی خود را درحوزه های زیربنایی گسترش ساختار یافته بدهند.